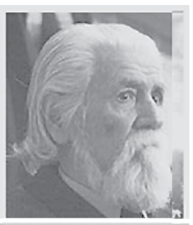
حمید سبزواری(شاعر)

امیر حسین فردی (نویسنده)

ابوالفضل عالی (گرافیست)

شهید رسول کاظم نژاد (عکاس)

صفار زاده(نویسنده)

شهید احمد زارعی (شاعر)

مهرداد اوستا(شاعر)

نصرالله مردانی ( شاعر)

مسعود شجاعی طباطبایی ( کاریکاتوریست)

حبیب الله معلمی (شاعر)

علیرضا قزوه(شاعر)

محمدعلی گودینی(نویسنده)

علی محمدمؤدب (شاعر)

مرحوم شهریار(شاعر)

محمدمهدی سیار (شاعر)

سیمین‌دخت وحیدی (شاعر)

صلواتیان(نویسنده و تصویرگر)

میلاد عرفان پور در گفت‌وگو با کیهان:

# شعر سیاسی بدون کارکرد بی‌معناست

**سمیه پارسادوست: سال قبل که قلب راکتور اراک را در آوردند و به جای آن بتن ریختند، شاید خیلی‌ها بودند که قلبشان درد گرفت و به دنبال واژه‌ای برای بیان احساس خود می گشتند. چندساعتی نگذشته بود که یک نفر با یک شعر از راه رسید. شعری درباره «راکتور اراک» و شاعری که می گفت نه قلب راکتور که قلب او را در آوردند. شعری که به سرعت در فضای مجازی منتشر و در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخید. پای این شعر، امضای کسی قرار داشت که پیش از این هم در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف، نشان داده بود تمایل دارد تا با زبان شعر، واکنش خود را نسبت به آن چه در جهان اسلام و در سیاست ایران می گذرد، ابراز کند؛ از فجایع یمن و نیجریه گرفته تا اعدام شیخ نمر در عربستان و در آوردن قلب راکتور اتمی در اراک.**

**با «میلاد عرفان پور» به همین بهانه‌ها سوالات مختلفی پرسیدیم و جواب‌های جالبی هم گرفتیم .**

*** واقعا فکر می‌کردید روزی درباره یک راکتور اتمی شعربگویید؟**

- همان‌طور که در شعر هم گفتم، فکرش را نمی‌کردم. البته یک شاعر ممکن است درباره خیلی از موضوعاتی که فکرش را نمی‌کند، شعر بگوید چون شعر، شعر زندگی است و شاعر با نگاهی متفاوت نسبت به جهان نگاه می‌کند و به همین خاطر امکان شعر گفتن درباره خیلی از موضوعاتی که فکرش را هم نمی‌کند، وجود دارد

*** بازخورد مخاطبان در ارتباط با شعری که درباره راکتور اراک پس از اجرای برجام و لغو تحریم‌ها گفتید، چطور بود؟**

- من خودم اصولا خیلی به دنبال بازخورد شعرهایم نیستم. هم فرصت این کار وجود ندارد و هم اینکه شاید خیلی نیاز به این نباشد که بطور تخصصی دنبال بازخوردها باشم اما عموما بازخوردهای خوبی از شعرهایم گرفتم و در این‌باره هم مثبت بود. حرف اصلی من این است شاعر در هر برهه‌ای که قرار دارد، باید وظیفه‌اش را انجام بدهد و من هم در آن مقطع و پس از اینکه قرار شد قلب راکتور اراک را درآورند و به جای آن بتن بریزند، وظیفه‌ام را انجام دادم. حالا اینکه بازخوردش چه بوده، برایم مهم نیست.

*** شما شاید به نوعی جزء معدود شعرایی هستید که بطور صریح نسبت به وقایع اجتماعی و سیاسی جامعه واکنش نشان می‌دهید. یک زمانی این نقد را به شاعران دیگر داشتید که چرا در ارتباط با فتنه ۸۸ آن طور که باید و شاید، واکنش نشان ندادند و به قول شما، وظیفه خود را در آن برهه انجام ندادند**

- یک شاعر اصالتا خیلی دوست ندارد درباره چیزهایی شعر بگوید که ارتباطی با لطافت و فضای خاص شعر ندارد مثل سیاست، راکتور و خیلی مباحثی که ارتباط مستقیمی با فضای مطلوب شاعر ندارد اما گاهی اتفاقاتی پیش می‌آید که شاعر مجبور می‌شود برای دفاع از مجموعه‌ای از آرمان‌ها و ارزش‌هایی که آنها را محترم می‌داند و اتفاقا به آنها عشق می‌ورزد، وارد میدان شده و شعر بگوید. در واقع برای دفاع از عشق خود حاضر می‌شود درباره موضوعاتی خاص و در بزنگاه‌های خاصی شعر بگوید.

*** و شاید از دل همین ماجرا، دوقطبی شاعران ولایی و غیرولایی شکل گرفت یا جریانی که می‌گوید یک شاعر یا مداح نباید وارد فضای سیاست بشود.**

- شاعر در وهله اول انسان است و انسان نمی‌تواند قسمت‌های وجودی خودش را از یکدیگر تفکیک کند. همان‌طور که نمی‌تواند مثلا شعر و عاطفه را کنار بگذارد و بگوید من از ساعت یک تا سه عاشقم، یک تا چهار، یک منتقد اجتماعی هستم و چهار تا پنج انسانی هستم که ممکن است از تصمیم‌گیری‌های سیاسی آزرده بشوم. شاعر چون انسان است، با ابعاد گوناگون زندگی اعم از عشق، سیاست واجتماع درگیر است. شما می‌توانید انسانی را در جهان پیدا کنید که سیاست با او کاری نداشته باشد؟ سیاست در زندگی انسان بسیار اثرگذار است. تقریبا تمام دردهایی که انسان معاصر دارد، از سیاست نشات گرفته و از تصمیم‌گیری‌های غلط در این زمینه و بدست سیاستگذاران. لذا انسانی که از چیزی دل آزرده است و زیر شکنجه تصمیم‌ها و سیاستگزاری‌های غلط قرار دارد، آیا می‌تواند شعر سیاسی نگوید؟ همان طور که یک شاعر نمی‌تواند شعر عاطفی نگوید، نمی‌تواند از سیاست و اجتماع هم جدا باشد و در این باره شعر نگوید. شعر و شاعر را نمی‌توان به قسمت‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. نمی‌شود انتظار داشته باشیم فلان شاعر فقط شعر عاشقانه بگوید یا فلان شاعر چون «انقلابی» نامیده می‌شود، فقط شعر انقلابی بگوید. شما انسانی را سراغ دارید که از بدو کودکی تا پیری فقط مبارزه سیاسی کرده باشد؟ در نهایت اینکه؛ یک شاعر مطلوب شاعری هست که در همه موضوعات معمول یک انسان معاصر شعر می‌گوید. آن شاعری که در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما تعریف می‌شود، شاعری است که در همه موضع‌ها و موضوع‌های مختلف شعر می‌گوید و مجموع اینهاست که یک شاعر را شاعر می‌کند. هر شاعری که خود را تنها در یک بخش محدود کرده، قطعا شاعر مطلوبی نیست و شعرهایش ادای موضع‌گیری در آن موضوع خاص است یعنی ادای این را درمی‌آورد که مثلا من همه زندگیم شعر و عاطفه است و لذا فقط شعر عاطفی و عاشقانه می‌گوید.

*** آن شاعری که در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما تعریف می‌شود، شاعری است که در همه موضع‌ها و موضوع‌های مختلف شعر می‌گوید.**

***

*** جواب سوال بعدی من را هم دادید که می‌خواستم بپرسم یک شاعر چطور می‌تواند هم درباره مرگ و تنهایی و عشق شعر بگوید هم درباره یمن و نیجریه و شیخ نمر و راکتور اتمی؟**

- بله. همان توضیحی که دادم، فکر می‌کنم جواب سوال شما باشد. انسان جامع الاطراف است و چون همه موضوعات با انسان کار دارد، انسان هم با همه موضوعات سر و کار دارد. چون عشق و عاطفه و سیاست و اجتماع دست از سر انسان برنمی‌دارد، انسان هم دست از سر اینها نمی‌تواند بردارد.

*** تصمیم ندارید درباره موضوع سیاسی دیگری شعر بگویید؟**

- شعر سیاسی باید کارکرد داشته باشد و اگر کارکرد نداشته باشد، اصلا گفتنش بی‌معناست. یعنی شاعر، شعر سیاسی را قطعا تنها برای دل خودش نمی‌گوید و هدف سیاسی از گفتنش دارد و می‌خواهد این شعر تاثیر بگذارد لذا من هر شعری در این فضا می‌گویم، زمانی است که بخواهم تاثیر بگذارد و این طور نیست که به هر مناسبتی شعر سیاسی بگویم.

*** شما شعر هیئت هم گفته اید؟**

- بله در این زمینه هم اشعاری داشته‌ام که اغلب خیلی از اشعاری که در این فضا گفته‌ام را «حاج میثم مطیعی» خوانده‌اند و در کارهای خود از آن استفاده کرده اند.

***شما هم از دانشجویان دانشگاه امام صادق بودید و هستید. دانشگاهی که یک جریان شعر و شاعری خیلی قوی را در کشور هدایت می‌کند**

- بله. من از سال ۸۶ وارد این دانشگاه شدم و به تبع آن با هیئت میثاق آشنا شدم

*** و آشنایی شما با محمدمهدی سیار و میثم مطیعی از همین جا شکل گرفت؟**

- با آقای سیار از قبل آشنایی داشتم. وقتی من وارد دانشگاه امام صادق شدم، آن موقع آقای سیار از یکی دو سال قبل‌تر از من برای حاج آقای مطیعی شعر می‌گفتند. من که به دانشگاه رفتم، این توفیق برایم به‌وجود آمد که در این فضا شعر بگویم و این را برکت مهمی در زندگی ادبی خودم می‌دانم و اگر شعر گفتن در فضای هیئت نبود، احساس می‌کنم که خیلی از داشته‌هایی که به لطف خدا الان دارم را نداشتم. حرکتی که از هیئت میثاق دانشگاه امام صادق آغاز شد و حاج میثم مطیعی هم نقش بسزایی در موفق بودن و پیشرو بودن این حرکت داشت، کمک شایانی هم به جامعه شعر و هم مداحی کشور کرد. آن چیزی که به عنوان تراز انقلاب اسلامی مطرح می‌شود و در این هیئت به بهترین شکل خودش را نشان داد.

*** چرا میثم مطیعی، از رسانه‌ها و مصاحبه فراری است ؟**

- چون ایشان دنبال این نیستند که خودشان را به عنوان شخص میثم مطیعی مطرح کنند و این کار را یک جریان و کارگروهی می‌دانند و البته قطعا اخلاص و خضوع و خشوعشان هم از ما بیشتر است که با وجود نقش و اثرگذاری‌ای که دارند، اما مصاحبه نمی‌کنند و تمایلی به بودن و مطرح شدن در رسانه‌ها ندارند و به جز یکی دو مورد که درباره حاج‌آقا تهرانی صحبت کردند که آن هم به‌واسطه مرور خاطرات ایشان بود، صحبت دیگری و مصاحبه دیگری از ایشان ندیدیم. اعتقاد شخصی آقای مطیعی این است که مصاحبه نکنند و در خلوت یا به تعبیری گمنامی راه خود را ادامه بدهند.

*** وقتی یک جریانی اثرگذار است و به قول شما «تراز انقلاب اسلامی» است، آیا بهتر نیست تبلیغ و ترویج شود تا الگوسازی بشود؟**

- به نظرم اصل، همان کاری است که آقای مطیعی دارد انجام می‌دهد. سیر و روند کار ایشان و تاثیری که گذاشته و حتی بازتاب جهانی و بین‌المللی داشته، مشخص هست و تاثیری که باید بگذارد را هم می‌گذارد و الحمدلله این سال‌ها هرچه گذشته به برکت جریان‌سازی و الگوسازی این هیئت و پیشرفت و کار دینی هنری که در آن انجام شده، بر میزان اثرگذاری آن افزوده شده است.

*** راز شعر این است که تو به عنوان شاعر، موضع بگیری و واکنشت را نسبت به اتفاقات نشان بدهی.**

*** برگردیم به شعر؛ امکان دارد یک روز بخواهید برای یک شخصیت خاص سیاسی شعر بگویید؟**

- شعرا معمولا به این شکل و به صورت موردی، شعر نمی‌گویند و من هم ترجیح می‌دهم ورود نکنم. البته من برای شخصیت‌های خاص در زمان‌های خاص شعر گفته ام؛ مثلا شهید احمدی روشن یا شیخ زکزاکی و یا برای شیخ نمر شعر گفتم و اتفاقا دوست دارم درباره شخصیت‌های بزرگ شعر بگویم .

*** مثلا درباره کدام شخصیت ؟**

- منظورم شخص خاصی نیست. من معمولا وقتی در جریان حادثه‌ای مثل اعدام شیخ نمر یا کشتار شیعیان نیجریه متاثر می‌شوم، دوست دارم شعر بگویم. خیلی‌ها این را مذموم می‌دانند که بخواهند درباره یک شخصیت شعر بگویند یا او را مدح کنند اما از نظر من، راز شعر این است که تو به عنوان شاعر، موضع بگیری و واکنشت را نسبت به اتفاقات نشان بدهی. این شعرهایی که من گفتم، یک بخشی از آنها شامل موضع گیری‌های خودم هم هست. مثلا شعری که درباره شیخ نمر گفتم، درواقع واکنش نسبت به آل سعود هم هست. من به عنوان یک مسلمان موضع خودم را در این باره اعلام می‌کنم. در هر شعری که درباره یک شخصیت گفته می‌شود، آن شخصیت یک بهانه است برای بیان یک موضع یا حقی که زایل شده است.

*** چرا شاعری که مثلا درباره راکتور یا توافق هسته‌ای شعر بگوید را شاعر نظام معرفی می‌کنند؟ این دسته‌بندی‌ها از کجا شکل می‌گیرد؟ چرا گاهی می‌شنویم که می‌گویند شاعر آیینی باید فقط برای اهل بیت شعر بگوید؟**

- اصل صدق اگر بین شعر و انسان نباشد، یعنی شعری که من می‌گویم صادقانه آن چیزی نباشد که دغدغه من هست و من با آن مانوس هستم، این شعر قطعا کارکرد خودش را از دست خواهد داد. یعنی اگر مثلا من شاعر، همه شعرهایم عاشقانه است ولی در زندگی خودم این‌گونه نیستم و تجربه عاشقانه زیستن را نداشته‌ام ولی چون بازارمی طلبد، همه شعرهای من عاشقانه است، این شاعری است که صادق نیست یا شاعری که همه شعرهاش شعر روضه است آیا همه زندگیش هم با روضه و هیئت عجین است؟ شعر باید جمیع جهات زندگی را پوشش بدهد و این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی درستی نیست. مخاطبان بدانند شاعرانی که صرفا به یک موضوع می‌پردازند، شاعران کاملی نیستند. ضمن اینکه شعر آیینی خودش عنوان درستی نیست. شعر آیینی یعنی شعری که به یک آیین می‌پردازد. این آیین می‌تواند بودا باشد یا اسلام یا هر آیین دیگری. نمی‌دانم چرا این عنوان شاعر آیینی رسم شده است اما به هرحال، عنوان دقیق‌تر «شعر شیعی» است و اگر هم منظور شعری است که صرفا در هیئت استفاده می‌شود، پس باید نام آن را شعر هیئت گذاشت.

*** در حال حاضر مسئولان و سیاستگذاران از جریان شعر و شاعری در کشور حمایت می‌کنند؟**

- شعر، در سیاستگزاری‌های کشور ما دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و هنوز جایگاه آن شناخته نشده است. مسئولان تنها برای اینکه بگویند ما برای ادبیات و فرهنگ کاری می‌کنیم، پای شعر را وسط می‌کشند و برنامه‌هایی که بیشتر آنها جنبه نمایشی دارد، اجرا می‌کنند. ما در شعر کار پایه‌ای و بنیانی خیلی کم انجام دادیم. البته کارهای خوبی هم در این زمینه شده اما میزان این کارهای خوب و صرف بودجه، شاید ۲۰ درصد بوده در مقابل آن همه کارهای نامناسب، بدون توجیه و غلطی که در حوزه شعر کشور انجام شده است. بیشترین برنامه‌هایی که در فضای شعر و شاعری کشور برگزار شده، به همایش‌ها و کنگره‌ها و جشنواره‌ها و شب شعرها محدود و منحصر می‌شود که اگر برآورد بشود چقدر کارکرد برای شعر داشته، به نظرم تنها ۲۰ درصد باشد و فضای شعرکشور را به سمت شعر مکانیکی و شعر بدون روح گفتن برده و بودجه‌های ادبی در جایی که خیلی بازدهی ندارد، خرج شده است. جشنواره شعری رویکرد آموزشی و تربیتی ندارد. به عنوان مثال بودجه برگزاری یک شب شعر ۵۰ میلیون است که حدود ۴۰ میلیون آن، صرف کارهای ساختاری شب شعر مثل هتل و بلیت رفت و برگشت شاعران و عوامل اجرایی و تدارکات و ... می‌شود و ده میلیون باقی مانده هم جایزه برگزیدگان جشنواره است و هیچ کار آموزشی هم صورت نمی‌گیرد و تنها سه نفریا چند نفر که شعر خوب گفتند، جایزه می‌گیرند. فایده دیگر این برنامه‌ها این است که شاعران را دور هم جمع می‌کند ولی نه شاعران خوب بلکه شاعران متوسط را و شاعرانی که در بازار مخاطبان شعر را در اختیار ندارند. در حالی که باید از شاعرانی که واقعا شاعر هستند و به شعر کشور خدمت می‌کنند، حمایت ویژه‌ای بشود تا دلگرم شوند و به تولید ادبی بپردازند و مهم‌تر از اینها، پرورش نیروهای جوان و نوجوان است و حمایتی که باید از استعدادهای شعر و شاعری بشود. این استعدادها برای رشد خودشان نیاز به تعامل دارند. ما در انجمن شهرستان ادب و آفتابگردان‌ها این موضوع را پیگیری می‌کنیم که از جوانان و نوجوانانی که برای رشد ادبی پله‌ها را خودشان بالا آمده‌اند، حداقل حمایت کنیم.

## کم آورد کنار تو حتی هزار چشم

**■ فاطمه اشعری**

بر آسمان صدای پروبال کبریاست
اینجا صدا صدای قدم‌های زائر است
با تو چه حس و حال قشنگی رقم زده
باران نم نمی که به صحن حرم زده
دارم نگاه می‌کنمت با هزار چشم
کم آورد کنار تو حتی هزار چشم
درویش رو سیاه چه دارد برای تو
یک نیمه جان خسته که آن هم فدای تو
در صحن انقلاب به این خسته آب ده
آقا تو را به جان جوادت جواب ده
آتشفشانم اذن دخولم جواد توست
هر کس غریب مانده غریبانه یاد توست
«ما را بر آستان تو بس حق خدمتست»
ما را امید لطف تو و فضل و رحمتست

**تقدیم به روح مطهر شهید بابا رجب محمدزاده**

## باید که مجنون بود تا عشق تو را فهمید

**■ زهرا امیری**

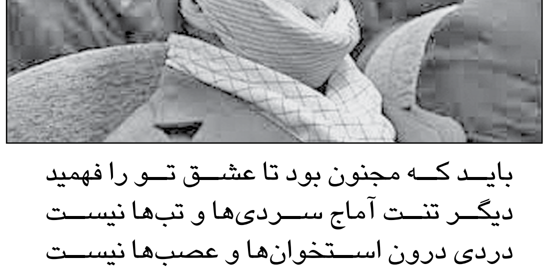

باید که مجنون بود تا عشق تو را فهمید
دیگر تنت آماج سردی‌ها و تب‌ها نیست
دردی درون استخوان‌ها و عصب‌ها نیست
رفتی و پیوستی به خورشید و دل پاکت
حالا دگر درگیر رنج نیمه شب‌ها نیست
من با تو فهمیدم برای عشق ورزیدن
هرگز نیازی به زبان و چشم و لب‌ها نیست
باید که مجنون بود تا عشق تو را فهمید
عشق تو جای فکر و برهان و سبب‌ها نیست
حق داشتی از پر کشیدن شادمان باشی
اینجا که جای غربت بابا رجب‌ها نیست

---

شاعران مقاومت همدل با شیخ ابراهیم زکزاکی :

## ای پیر ! نام بت‌شکنی داری

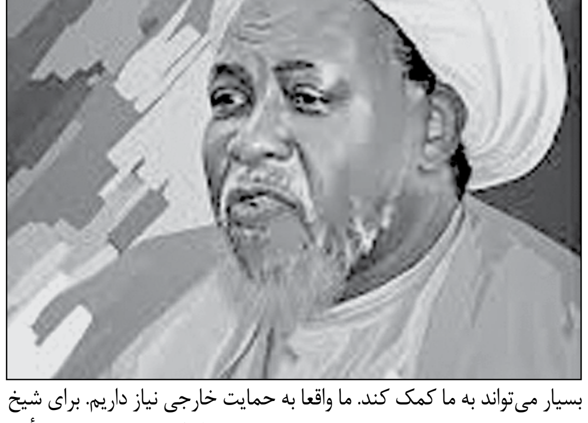

**همزمان با روز جهانی مقاومت، نخستین شب از «شب‌های شعر مقاومت» شهرستان ادب در همراهی با شیخ ابراهیم زکزاکی، مبارز نیجریایی، با حضور مهمانان سرشناس داخلی و خارجی برگزار شد.**

شاعران مشهور انقلاب، به ندای مظلومانه و هشدار محمد زکزاکی، فرزند شیخ، در باب وضعیت بحرانی پدر خویش، لبیک گفتند و سروده‌های خود را در گرامی‌داشت شهدای مسلمان نیجریه را در موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب قرائت کردند.

آن گونه که خبرگزاری فارس آورده؛همزمانی این شب با میلاد مسعود امام هشتم(ع) و نیز حضور پرشور خانواده‌های شهیدان و مجاهدان نیجریه و همچنین شاگردان شیخ زکزاکی، شکوه خاصی به نخستین شب شعر مقاومت بخشیده بود.

علی‌رضا قزوه، سعید حدادیان، علی‌محمد مودب، محمدمهدی سیار، مهدی جهاندار، میلاد عرفان‌پور، احمد بابایی، محمدمهدی عبداللهی، افسانه غیاثوند، فاطمه نانیزاد، سید مجید موسوی، محسن رضوانی، عصمت زارعی، بشری صاحبی، سید حسین رضوی‌پور، محمدحسین نعمتی، حسن صنوبری، عارفه دهقانی و.. از جمله شاعران حاضر در این شب شعر بودند.

***گزارش یک شاهد عینی از حمله به خانه شیخ زکزاکی**

در این برنامه، شیخ اسماعیل شعیب، شاگرد ابراهیم زکزاکی، از چهره‌های مهم جنبش اسلامی نیجریه، برای حضار، گزارشی از فاجعه خونین حمله به منزل شیخ زکزاکی و کشتار خانواده و یاران این چهره برجسته مقاومت اسلامی ارائه کرد.

او که خود شاهد عینی این جنایت بزرگ بوده است گفت: «حادثه‌ای که حدود هشت ماه پیش اتفاق افتاد موجب شهادت هزار نفر و ناپدید شدن چندین نفر شد. من یک هفته پیش نیجریه بودم، با پسر شیخ ملاقات کردم. هشت ماه پیش در همین شهر به خانه و حسینیه بقیه‌الله حمله کردند. من در ردیف اول بودم. ما معمولا آخر هر سال برنامه داریم. آن‌ها بهانه آوردند که دوستان ما جلوی ارتش را گرفته‌اند.» این فعال نیجریایی ادامه داد: «امروز واقعا من خجالت می‌کشم بگویم که «ارتش نیجریه» به ما حمله کرد. این‌ها ارتش نیجریه نبودند، اگرچه لباس آن ارتش را دارند. این‌ها مزدوران اسرائیل و سعودی هستند، ارتش که با ملت خودش این‌طور رفتار نمی‌کند.»

وی نقش برنامه‌هایی نظیر شب‌های شعر مقاومت را بسیار مثبت ارزیابی کرد و ضمن تشکر از شهرستان ادب بابت برگزاری این جلسه توضیح داد: «چنین برنامه‌هایی بسیار می‌تواند به ما کمک کند. ما واقعا به حمایت خارجی نیاز داریم. برای شیخ دعا کنید و چنین برنامه‌هایی نیز در کنارش حتما برگزار شود. شک نکنید تأثیر می‌گذارد. »شیخ شعیب در پایان گفته‌های خود، نسبت به سرنوشت ابراهیم زکزاکی هشدار داد: «اگر دست روی دست بگذاریم خدای نکرده ممکن است شیخ زکزاکی به سرنوشت شیخ نمر دچار شود. همه باید وارد عمل شوند و ساکت ننشینند. »

***سروده‌های مقاومت در زاریا**

در ادامه شب‌های شعر مقاومت با شعرخوانی امیر تیموری آغاز شد. سروده او اشاره به کشتار همسر و شش فرزند شیخ به دست جنایت‌کاران داشت، موضوعی که در بسیاری اشعار دیگر نیز دارای بازتاب بود:

«به جرم عاطفه کشتند خانواده ما را
به لطف عشق مصمم ببین اراده ما را»

سپس احمد بابایی شعری خواند که با این بیت آغاز می‌شد:

«دوباره ابر سیاهی زلال می‌بینم
به دوش هر افقی یک بلال می‌بینم»

فاطمه نانیزاد نخستین بانویی بود که شعری برای زکزاکی خواند که با این بیت از مقاومت این شیخ نیجریایی تجلیل کرده بود:

«هر چه جوان دادی دلت آرام‌تر گردید/ حاشا اگر چینی تو را روی جبین باشد»

سپس سید مجید موسوی با اشاره به فداکاری‌های شیخ زکزاکی و شهادت فرزندانش شعری سپید خواند که در بخشی از آن آمده بود: «می‌شود کاخت سفید باشد/ رویت سیاه /صلح همیشه سپیدی کبوترها نیست/ گاهی عمامه‌ای می‌تواند تمام جنگ‌ها را بخواباند/ و از پروازی قصه درست کند/ که بال‌هایش چهار پسرند»

بشری صاحبی، بانوی شاعری بود که شعری درباره مقاومت اسلامی نیجریه خواند که از جمله این بیت آن قابل توجه بود:

«ولی چگونه ببینیم سینه چاک حسین/دوباره کشته به دست یزید خواهد شد »

شاعر سرشناس انقلاب، علیرضا قزوه نیز شعر بلند خود را، درباره حادثه کشتار در شهر زاریا، زادگاه شیخ ابراهیم زکزاکی، خواند که با استقبال فراوان حضار رو به رو شد. به گفته او، این سروده حماسی به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است. این شعر طولانی این‌گونه آغاز می‌شود:

«زیباترین باران‌ها در آفریقا می‌بارد/ در گیسلو»/ «کادونا»/ خونین‌ترین روز عاشوراست/بزرگترین فریاد/ اربعین است/ و سرخ‌ترین خبر/در زاریا ست»

مهدی جهاندار، شاعری که از اصفهان برای شرکت در این شب شعر حضور یافته بود، در ادامه شعری خواند و آن را به مظلومیت شیخ زکزاکی تقدیم کرد. شعر جهاندار با این بیت آغاز می‌شد:

«چند اسماعیل قربان کرده باشد بهتر است/کار ابراهیم کارستان‌تر از این حرف‌هاست»

در ادامه عارفه دهقانی نیز سروده خود را تقدیم به مجاهد نیجریه‌ای کرد:

«حال و روز قلب ما حالا/ حال و روز شیخ زکزاکی است»

محمد مهدی عبدالهی نیز شعری را خواند که با این بیت آغاز می‌شد:

«دلم به وسعت هفت آسمان پر از غم شد
حلول ماه ربیع است یا محرم شد»

***زخم‌های ابراهیم در آتش**

رضوی پور شاعر دیگری بود که ابتدا از خاطره ماندگار خود در دیدار با شیخ زکزاکی به سال ۱۳۸۸ یاد کرد و سپس شعر خود را قرائت کرد که با الهام از سخن شیخ در محاصره آن را سروده بود:

«برای وحشت خوکان صدای شیر بس است
میان لشکر خوبان یکی دلیر بس است»

نخستین شب از شب‌های شعر مقاومت، سپس با شعرخوانی شاعر سرشناس انقلاب، میلاد عرفان‌پور پی گرفته شد. او سروده خود را برای شیخ زکزاکی قرائت کرد که با این بیت آغاز می‌شد و به زخمی شدن این فعال برجسته در حادثه حمله به منزل او اشاره داشت:

«نسیم از دوردست آورده عطر آشنایت را
دلم را می‌فرستم تا ببندد زخم‌هایت را»

سپس محمدمهدی سیار، شاعر نیز شعر «ابراهیم در آتش» را برای ابراهیم زکزاکی خواند، شعری که ماجرای در آتش رفتن ابراهیم پیامبر و جنایات صورت گرفته در باب رهبر نیجریایی را به هم پیوند زده بود. سروده سیار با این سطرها به پایان می‌رسید:

«ای پیر! نام بت شکنی داری، بر تو سلام باد
وین آتش همیشه بر ابراهیم، برد و سلام باد!»

عصمت زارعی بانوی شاعر دیگری بود که سروده خود را برای قهرمان مبارز آفریقا قرائت کرد:

«ای کاش روزی کودک صحرای آفریقا/ از زیر بار ظلم‌ها/ آزاد باشد.»

سپس افسانه غیاثوند، شعر خود را خواند تا حضور بانوان در نخستین شب شعر مقاومت بسیار پررنگ باشد:

«نامه‌ای سرگشاده آمده است، از خبرهای روشنی حاکی
که شهیدانه زنده‌ای شیخ، کوری چشم هر چه خر خاکی»

***دفاع از خانه مشترک**

در ادامه برنامه، شاعر انقلاب، علی‌محمد مودب، با ابراز خرسندی از برگزاری این شب شعر در موسسه شهرستان ادب آرزو کرد که «مجاهدت‌های امروز به صاحبش ولی‌عصر متصل شود». مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب، در سخنان کوتاهی، با تأکید بر «فراموش نکردن برادران و خواهران دینی در هر کجای جهان» اظهار داشت: «امروز همه این مبارزان در هر کشوری که باشند از پاکستان گرفته تا عراق و نیجریه، همه از یک خانه دفاع می‌کنند. »

پایان بخش برنامه شب شعر مقاومت اول، نفس گرم سعید حدادیان، ذاکر اهل بیت بود. او ابتدا شعری برای مبارز بزرگ نیجریایی خواند:

«رمز و رازی است در حقیقت عشق که فقط اهل درد می‌دانند
همه عالم اگر شود دشمن، باز مرد نبرد می‌مانند»

«شب‌های شعر مقاومت» عنوان سلسله نشست‌های ادبی با موضوع شعر مقاومت است که هر بار یکی از موضوعات مهم جهان اسلام و محور مقاومت را برمی‌گزینند و با حضور چهره‌های برتر شعر انقلاب و ادبیات مقاومت بطور پیوسته در موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب برگزار می‌شود.

---

# آفات ادبیات کودک و نوجوان:تکرار،بحران مخاطب!

**گالیا توانگر**

**ادبیات کودک و نوجوان، نقشی روشن و بزرگ در امر تعلیم و تربیت نسل جدید دارد. هر آن قدر این ادبیات، بالنده‌تر شود بی‌شک، زمینه برای تعلیم و تربیت هموار تر و ثمرات آن درخشانتر است.**

**آنچه می‌خوانید دیدگاه ودغدغه‌های چند تن از شاعران کشورمان درباره شعر کودک و نوجوان است.**

### علل و زمینه های پیدایش ادبیات کودک و نوجوان

حامد محقق شاعر کودک و نوجوان ومولف کتاب‌هایی مثل یک درخت (شهرستان ادب)، از خودم سوال می‌کنم (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)، مادرم شانه به سر (امیر کبیر) درباب چگونگی و زمان شکل گیری شاخه ادبیات کودک و نوجوان برایمان توضیح می‌دهد: «برای ادبیات کودک نمی‌توان زمان شروع معین و پیشینه محدودی متصور شد.از زمانی که مادر فرزندش را درآغوش گرفته و برای آرام کردن او از کلامی آهنگین استفاده کرده شکلی از ادبیات کودک پدید آمده است.سرآغاز تمام هنرها فولکلور و فرهنگ عامه است .لالایی، متل‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌های خردسالان، داستان‌های ماجرایی و حماسی و عاشقانه واسطوره‌ها که همه زاییده تخیل و تفکر مردم دوران‌های مختلف اند،اساس ادبیات و خصوصا ادبیات کودکان و نوجوانان اند.»

وی با اشاره به کتاب «سخنی درباره ادبیات کودکان» در مورد پیدایش ادبیات کودکان می‌گوید: «دراین کتاب آمده است: «همراه نخستین مادران و فرزندان ادبیات کودک به وجود آمده است. مادر برای خواباندن کودکش لالایی می‌خوانده و قصه می‌گفته و به این ترتیب افسانه ها،سال‌ها و قرن‌ها سینه به سینه از نسلس به نسل دیگر رسیده... پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها که در تربیت نسل جوان وظیفه مهمی برعهده داشتند سرگذشت‌ها و تاریخ خود را برای نوه هایشان بازگوکرده‌اند و بدین ترتیب هم باعث انتقال تاریخ و هم باعث به وجود آمدن داستان‌های حماسی و قهرمانی ملت خود می‌شدند.»

از محقق شاعر کودک و نوجوان سوال می‌کنم: آیا همه کتاب‌های داستان و شعری که برای کودکان و نوجوانان نوشته می‌شود را می‌توان ادبیات کودک خواند؟ وی پاسخ می‌دهد: «مهدی حجوانی تعریف ادبیات کودک را به چهار دسته یا محور تقسیم کرده است. او قسمت اول را همان تعریفی می‌داند که تا به حال بوده، یعنی نوشته‌های خلاقی که در قالب ادبیات، از سوی بزرگترها به قصد مخاطب کودک آفریده می‌شوند؛ اما در مورد سه محور دیگر می‌گوید: سه محور دیگر که شاید قابل خلاصه شدن در دو محور باشند به این شکل پیشنهاد می‌شوند: نوشته‌های خلاقی که در قالب ادبیات از سوی بزرگترها، بدون توجه به مخاطبی خاص و یا با قصد مخاطب قرار دادن بزرگترها خلق شده،اما به مرور زمان و بدون اینکه از سوی بزرگترها پیشنهاد شوند، با استقبال کودکان روبه‌روشده‌اند. نوشته‌های خلاقی که در قالب ادبیات از سوی بزرگترها، بدون توجه به مخاطبی خاص و یا به قصد مخاطب قرار دادن بزرگ‌ترها خلق شده، اما توسط مربیان، متخصصان ادبیات کودک و یا کودک شناسان مطالعه و مناسب بچه‌ها تشخیص داده شده اند. نوشته‌های خلاقی که در قالب ادبیات، از سوی بچه‌ها برای بچه‌ها و یا بدون در نظر گرفتن مخاطبی خاص خلق و با استفاده کودکان به روز شده اند. درکل شاید بهترین تعریف از ادبیات کودک این باشد که ادبیات کودک مجموعه‌ای از نوشته‌ها و سروده‌هایی است که بزرگسالان برای آموزش، سرگرمی و تهییج کودکان تهیه کرده‌اند.»

وی درادامه می‌گوید: «دردوران خیلی قدیم کتاب داستانی نبود.مردم جای مطالعه، به افسانه‌هایی که نقال‌ها درباره قهرمانان جنگ‌های بزرگ و پادشاهان و ملکه هایشان نقل می‌کردند، گوش می‌دادند. این افسانه‌ها بدون اینکه نوشته شوند سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر می‌رسیدند. البته باید به این نکته توجه داشت که وقتی از مبداء تاریخ پدیده ای سخن می رود منظور زمانی است که آن پدیده رشد می کند و در دیگر امور اجتماعی تاثیر می گذارد. به همین خاطر عموم پژوهشگران ابتدای ادبیات کودکان را هم دوره با انقلاب صنعتی در اروپا و اختراع و رواج صنعت چاپ و نیز فراگیر شدن سواد و سوادآموزی می‌دانند.»

این شاعر کودک و نوجوان در باره چگونگی شکل گیری ادبیات کودک و نوجوان در ایران توضیح می‌دهد: «امروزحوزه‌ای به نام ادبیات کودک و شعر کودک در ادبیات تمام ملل وجود دارد ودر شعر فارسی تا حدود ۶۰ سال پیش کسی به فکر این مسئله نبود. میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی حدود ۱۵ سال پیش از امضای فرمان مشروطیت با انتشار کتاب «تربیت نامه و اندرزنامه» نکات مهمی را در خصوص زبان و محتوای کتب درسی رایج در مکتب خانه‌ها بیان کرده است. تاثیر نوشته‌های میرزا محمد را می‌توان در شعر شاعران نوظهور آن زمان در شاخه کودک به خوبی دید.بعد از آن «عبدالرحیم طالبوف» در سال ۱۳۱۱هـق کتاب «سفینه طالبی» یا همان «کتاب احمد» را در دوجلد منتشر کرد. این کتاب که گفتگوی پدری با فرزند پنداری خود است که در آن با زبانی ساده و قابل فهم برای کودکان به بیان موضوعات مختلف علمی می‌پردازد؛ اما آنچه در کتاب‌های تخصصی و پژوهشی ادبیات کودک آمده این است که ادبیات کودک در ایران پس از مشروطه و به وسیله علمای تعلیم و تربیت حیات یافته است.»

### تکرار، مهم‌ترین آفت ادبیات کودک و نوجوان

مریم زندی شاعره کتاب‌های حوصله ام پیش تو جامانده (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)، وقت گل برف (امیر کبیر)، تولدت مبارک(دار الحدیث قم)، دفتر گل باز شد (فصل پنجم) و دو کتاب در دست چاپ توسط سوره به نام‌های «مشق آسمان» و «خرسم یکی یک دانه» در حال حاضر مدیریت جلسات شب ادبیات کودک و نوجوان همدان را عهده‌دار است.

وی در باب مهمترین چالش‌های پیش روی ادبیات کودک نوجوان در همدان و نیز در سطح کشور می‌گوید: «یکی از اصلی‌ترین چالش‌های ما در استان خودمان این است که ما حتی یک انتشارات فعال، شناخته شده و خوب نداریم.مجبوریم آثارمان را برای چاپ به قم یا تهران بدهیم. اگر زمینه فعالیت یک انتشارات در همدان فراهم می‌شد، بدون شک آثار با کیفیت بهتر و در روند سریعتری برای چاپ مهیا می‌شدند.»

این شاعره ضمن اشاره به اینکه بخش اصلی ادبیات کودک و نوجوان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تقویت شد و به شکوفایی رسید، درباره چالش‌های کلی پیش روی ادبیات کودک و نوجوان در کشور توضیح می‌دهد: «نسل اول شاعران انقلابی کودک و نوجوان نظیر رحماندوست، ابراهیمی شاهد، محقق، بانو قاسمی و... بسیار خوب درخشیدند و کار کردند. اگر چه تعداد شاعران کودک و نوجوان به مراتب کمتر از غزلسراهاست و معمولا شاعران به دلیل سختی این شاخه کمتر استقبال می‌کنند، ولی باز هم همان روند با آهنگ نسبتا خوبی تا به امروز ادامه پیدا کرده است. در واقع شاعران نسل اول (دهه ۶۰) به نسل بعد خود انگیزه دادند. البته سفره ادبیات کودک و نوجوان فراخ است؛ اما برای ارتقای کیفی آن باید یک نکته را مدنظر داشت و آن این است که بر بُعد تخصصی و پژوهشی آن افزوده شود. باید هسته‌های پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان سوژه‌های مورد تقاضای گروه‌های سنی مختلف را استخراج کرده و در اختیار شاعران و نویسندگان این شاخه ادبی قرار دهند. «تکرار» چالش مهم ادبیات کودک و نوجوان امروز ماست. این تکرار آفت است. باید هرکس زبان و سبک شعری خاص خود را داشته باشد. لازمه اش این است که اصولی‌تر و پژوهشی‌تر کار کرد؛ تا در سایه کار تخصصی، کتاب‌های بازاری پسند با سوژه و زبان نازل به حاشیه رفته و کتاب‌هایی با زبان و ایده‌های مناسب برای بچه‌ها جای آنها را بگیرند.»

### بحران مخاطب در شعر کودک و نوجوان

محمد صارمی شهاب، شاعر کتاب‌های مثل رود عاشقم (مدرسه)، شناسنامه مشترک (هزاره ققنوس)، رویای کودکان بی‌سرزمین (سوره مهر- دردست چاپ) که در عین حال برگزیده دو دوره جشنواره شعر فجر (دوره‌های هفتم و هشتم ) در شاخه شعر کودک و نوجوان نیز هست، درباره مهمترین چالش‌های پیش روی ادبیات کودک برایمان توضیح می‌دهد: «یکی از مهمترین چالش‌ها بحران مخاطب است. کتاب‌هایی که در این شاخه چاپ می‌شوند، معمولا به دست مخاطب نمی‌رسند. یا در کتابفروشی‌ها خاک می‌خورند و یا روی دست ناشرمی مانند. شرایط به گونه‌ای رقم خورده که گویی شاعران کودک و نوجوان برای هم شعر می‌گویند وازهم نظر می‌پرسند؛در حالی که باید بازخورد مخاطب کودک و نوجوان را دریافت کرد و آنها هستند که به عنوان مخاطبین اصلی، نظردهنده محسوب می‌شوند.»

این شاعر کودک و نوجوان در ادامه به چالش‌های دیگری اشاره کرده و می‌گوید: «محدودیت سوژه و قالب باعث شده که شاعران کودک ونوجوان به تکرار درافتند. از میان حجم زیادی از آثار تنها یک تا دو اثر متفاوت را می‌توان یافت.»

وی ضمن خوب ارزیابی کردن درخشش استعدادهای نوجوان و جوان در این شاخه ادبی می‌گوید: «خوشبختانه شاعران کودک و نوجوانی که خود در همین گروه سنی قرار دارند، شعر را خوب می‌شناسند. باهوش‌اند و حتی به ما شاعران بزرگسالی که برای کودک و نوجوان شعر می‌سراییم، سر نخ‌های سوژه‌ای می‌دهند. دلیلش هم این است که این بچه‌های شاعر، دغدغه‌های همسن و سالان خود را بهتر می‌شناسند و بالطبع بهتر هم در شعرشان اجرا می‌کنند.»

توصیه این جوان شاعر کودک و نوجوان به شاعران بزرگسال کودک و نوجوان این است که تمام دغدغه شان چاپ کتاب‌های بیشتر نباشد و واقعا برای مخاطب در گروه سنی کودک و نوجوان بسرایند.

وی تاکید می‌کند: «اگر ما تنها یک شعر خوب و ماندگار بسراییم بسیار بیشتر از چاپ کتاب‌های متعدد وظیفه‌مان را در قبال ادبیات کودک و نوجوان انجام داده‌ایم.»

### با زبان معیار شعر بگوییم

مریم زرنشان در سه گروه سنی خردسال، کودک و نوجوان دارای مجموعه‌های شعری متعددی است. وی تا کنون ۲۵ جلد کتاب شعر برای گروه سنی کودک و نوجوان به طبع رسانده است.

وی در مورد مهم‌ترین چالش‌های فعلی پیش روی ادبیات کودک و نوجوان می‌گوید: «متاسفانه در برخی آثار زبان و ساختار شعر آشکارا به هم ریخته است. به بهانه اینکه می‌خواهیم برای کودک اثری خلق کنیم، نباید زبان و ساختار را آشفته کنیم. اتفاقا باید برای کودک با زبان معیار سرود تا بعدها با خواندن کتاب فارسی اش دچار مشکل نشود و از قبل از طریق شعرهای کودکانه با زبان معیار آشنایی حاصل کرده باشد.سوژه‌های تکراری و نگاه مربی محوری از دیگر چالش‌های پیش‌روست. باید در شعر کودک و نوجوان از مستقیم گویی‌ها پرهیز کرده و تنها در لفافه و در لایه‌های زیرین اثر به نکاتی اشاره کرد. بچه‌ها آنقدر شنیده‌اند که دیگر از مستقیم‌گویی‌ها خسته و دلزده هستند. یک شاعر کودک و نوجوان خوب برای دغدغه‌های همین گروه سنی در دهه ۹۰ می‌سراید و شعرش شبیه دهه ۶۰ نمی‌شود. بنگرید فضای زندگی و دغدغه‌های کودک و نوجوان دهه ۹۰ کدامند؟ مطمئنا گرایش به فضای مجازی، زندگی محدود آپارتمان نشینی در برج‌ها و نیز آلودگی‌های زیست محیطی می‌تواند در زمره شاخصه دغدغه‌های ایشان در دهه ۹۰ شمسی باشد.»